



۱۴

حالا که مدرسه ها در حال بازگشایی هستند، کفش راحت سبک و دارای کفی قابل انعطاف برای فرزندان انتخاب کنید

کفش های مدرسه پسند

معجزه تبدیل اراده به حرکت

محققان در حال ساخت نوع جدیدی از رابط های رایانه و مغز هستند تا به رویاهای معلولان رنگ تازه ای ببخشند



زندگی

سه شنبه ۲۶ شهریور ۱۳۹۸ شماره ۵۴۸۰

گفت وگو با جهانگرد باسابقه هرمزگانی که يك سفر غیر متعارف را به دور دنیا آغاز کرده است

دور دنیا با شتر



۱۶

جامعه



info@amejamedaily.ir
روابط عمومی: ۲۲۲۶۱۴۲

#توقف-دویل

پناهی از تهران:

توقف دوبل تاکسی ها و مسافربرهای شخصی در لاین کندرو روبه روی متروی نیرو هوایی باعث کندی حرکت خودروها و ترافیک می شود.

#زباله-افسریه

محرمی از تهران:

روبه روی اداره آب وفاضلاب افسریه به انبار زباله زباله گرد ها تبدیل شده و این افراد با جمع کردن زباله ها در این مکان، چهره خیابان شهید نیکو عمل را مخدوش می کنند.

#رمپ-میرداماد

جمعی از شهروندان:

با وجود اعتراضات فراوان نسبت به مسدود کردن رمپ خروجی لاین کندرو روبه روی متروی میرداماد و ایجاد ترافیک، ولی شهرداری این منطقه هیچ ترتیب اثری به درخواست مردم نداده است.

#میوه-اجحاف

بایازاده از زنجان:

چرا باید مردم ایران محصولات کشاورزی تولید داخل را با نرخ صادرات آن بخزند؟ متأسفانه به علت صادرات فراوان و سود هنگفت دلالتان، مردم میوه را گران می خزند.

#قبض-ابهام

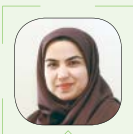
اسلامی از پردیس:

حق مسلم هر شهروند است که نوع و میزان مصرف بهای قبوض خود از جمله برق، تلفن و... را مشاهده کند. ارسال نشدن قبوض باعث بی اطلاعی از نحوه میزان مصرف قبوض برای شهروندان شده است.

جوابیه

در پی درج پیامی در ۱۹ مرداد ۱۳۹۸ با عنوان «آسفالت جاده ساوه به خران» مشاور ریاست و مدیر روابط عمومی سازمان راهداری حمل و نقل جاده ای وزارت راه و شهرسازی با ارسال نمایی اعلام کرد: این مسیر در حوزه شهرستان ساوه مشکلی ندارد، در حوزه زرنديه نیز که در مجموع ۵۴ کیلومتر است، ۴۱ کیلومتر آن دارای روکش آسفالت مناسب است اما ۱۳ کیلومتر از طول مسیر نیاز به بهسازی دارد که در کمیته برنامه ریزی اعتبارات شهرستان زرنديه توسط اداره راهداری و حمل نقل جاده ای شهرستان موضوع طرح و پیشنهاد شده است. بدیهی است در صورت تایید و ابلاغ اعتبارات لازم، ادامه عملیات اجرا خواهد شد.

این روزها شعار «کل ارض کریلا و کل یوم عاشورا» دیگر محدود به شیعیان نمی شود و عشق به امام حسین (ع) مرز نمی شناسد. حالا بسیاری از اقلیت های مذهبی در ایران و سایر کشورها، ندای «یا حسین» سر می دهند. بسیاری از اقلیت های مذهبی هم در عزاداری شرکت می کنند و علم روضه برای سالار شهیدان برپا می کنند. درست مثل کاری که حمیرا بلوچی، زن ۴۸ ساله اهل تسنن زابلی انجام می دهد و عشقی که از زمانی که خود را شناخته، در پوست، گوشت و استخوانش، ریشه دوانده است.



لیلا شوقی

جامعه

داستان حمیرا از پانزده، شانزده سالگی شروع شد. زمانی که عروس خانه همسرش شد؛ همسری که با این که اهل تسنن است، اما برای سالار شهیدان نذری می دهد. او البته به ما می گوید: «از وقتی که خودم را می شناختم، عشق به امام حسین (ع) در خانواده ام وجود داشته است. «با ورود حمیرا به خانواده شوهر مراسم پخت نذری طور دیگری برگزار می شود؛ نذری که تنها برای چند خانواده تدارک دیده می شد، کم کم عظیم تر می شود و وسعت بیشتری پیدا می کند.

درست است که خانم بلوچی، از کودکی با عشق به اهل بیت (ع) بزرگ شده و حتی بعد از ازدواج مسؤولیت پخت نذری را قبول می کند، اما يك خواب دیدن همه چیز را تغییر می دهد. چند سالی از ازدواج او می گذشت که خواب عجیبی دید. «من آن زمان سه دختر داشتم، اما خیلی دوست داشتم که خدا پسری هم به من بدهد. مدام دعا می کردم که فرزند پسری داشته باشم.» خدا دعاها و خواسته حمیرا را می شنود و درست روز تاسوعا، خواب عجیبی می بیند. او تعریف می کند که در خانه نشسته بود که يك نفر، در کنارش می نشیند و از او می پرسد چه آرزویی داری؟ و حمیرا آرزوی پسر دار شدنش را به غریبه توی خواب می گوید و در جواب می شنود: «پاشو و نذری ات را بار بگذار. آرزویت را دادیم.» حمیرا تعریف می کند که شتابزده و متحیر از خواب می پرد و به نذری که در حال طبخ بود، سر می زند. ۹ ماه بعد، او پسرش را به دنیا می آورد؛ پسری که از نظر زن حمیرا، هدیه امام حسین (ع) است و به خاطر همین هم نامش را حسین می گذارد. بعد از آن حمیرا تعریف می کند که با خلوص نیت بیشتری، نذری می داده است و بعد از این که پسر دومش هم به دنیا می آید، نام برادر سالار شهیدان (ع) حسن را روی پسرش می گذارد تا بیش از پیش، عشق و ارادت به اهل بیت (ع) را نشان دهد.

امام حسین (ع) همسر را شفا داد حمیرا می گوید که به خاطر لطف و مدد اهل بیت (ع) هر وقت که مشکلی برایش پیش آمده است، دست رحمت و کرامت خاندان پیامبر گره مشکلاتش را باز کرده اند. شبیه اتفاقی که چند سال پیش، برای همسرش افتاد. همسری که سکنه مغزی کرده بود و حتی توان راه رفتن نداشت. او اعتقاد دارد که امام حسین (ع) نظر لطفش را به همسرش داشته و او را شفا داده است. ماجرای شفا دادن همسر حمیرا هم از يك خواب شروع شد، زمانی که او در خواب می بیند در حال نذری پختن است و بعد يك نفر در خواب به او می گوید که به همسرت سر بز. «به بیمارستانی که همسر در آن بستری بود، رفتم. دیدم که همسر سرپاست. او که نمی توانست راه برود، حالا روی پاهایش ایستاده و می توانست راه برود.» حمیرا می گوید که پزشك معالج همسرش هم از این که او به یکباره بلند شده و راه رفته، متعجب شده بود. تمام لحظات زندگی حمیرا، پر از اتفاق های اینچنینی است. داستان هایی که نشانه ای از لطف اهل بیت (ع) به او و خانواده اش در آن وجود دارد. حمیرا اما معتقد

است که اوج توجه اهل بیت (ع) به او در سفر به کربلا بوده است.

آرزوی سفر به کربلا

خانم بلوچی همیشه زمانی که آب برنجش را بار می گذاشته، زمانی که خورش را هم می زده، زمانی که برنج و عدس و لوبیایش را پاك می کرده، در تمام لحظاتی که کارهای نذری را می کرده، فقط به يك چیز فکر می کرده است: «آرزو داشتم به کربلا بروم.» او اما می دانسته که تا سیدالشهدا (ع) اجازه ندهد، نمی تواند راهی کربلا شود و همین می شود که يك شب دلش بدجوری هوای کربلا رفتن می کند و اتفاقا حمیرا تعریف می کند که همان سال، یعنی اربعین سال ۹۱، امام (ع) دعوتش می کند برای حضور در حرم. برای او اما به عنوان زنی اهل تسنن، حضور داشتن در حرم شیعیان، ساده نبوده است.

او باید از بزرگان مذهبی اجازه می گرفته و اتفاقاً برادرانش که از بزرگان خاندان هم هستند، زمانی که می بینند، خواهرشان چقدر مشتاق حضور در حرم سالار شهیدان (ع) است، به او اجازه می دهند. همین

هواخواه حسین (ع)

زندگی +

برای بسیاری از اقلیت های مذهبی واقعه عاشورا مهم است، به خاطر همین به احترام اهل بیت (ع) نذری می دهند یا در عزای امام (ع) شعر می سرایند و عزاداری می کنند. بهالدین حسینی، یکی از مداحان اهل سنت است. او با اشاره به جایگاه حب اهل بیت (ع) در مبانی فکری اهل سنت گفته است: «محبت خدا و رسول و اولیای خدا از بنیان های اعتقادی و عملی اهل سنت است.» به گزارش مشرق او معتقد است که یکی از شواهد محبت اهل سنت به اهل بیت رسول اکرم (ص)، اشعار اهل سنت است و مثالی دارد از رضا طالبانی قادری کرکوکي، شاعر کرد اهل تسنن که در یکی از اشعار صراحتا از عشقش به امام حسین (ع) می گوید: «لافت از عشق حسین است و سرت بر گردن است / عشق بازی سر به میدان وفا افکندن است / گر هواخواه حسینی ترك سر کن چون حسین / شرط این میدان به خون خویش بازی کردن است / شنی ام شنی ولیکن حب آل مصطفی / دین و آیین من و آبا و اجداد من است / شیعه و سنی ندانم دوستم با هر که با او / دوست باشد، دشمنم با هر که با او دشمن است.»

حسینی البته تاکید دارد که شیعه و سنی در اشتراکاتی گرد هم جمع شده اند و همه هم، دوستدار اهل سنت (ع) و امام حسین (ع) هستند، اما شیوه های اجرا این محبت متفاوت است.

این مداح اهل سنت گفت: «احدی حق ندارد امام حسین (ع) را برای خودش مصادره کند. در جایی که رهبر آزادپخش هندوستان، گاندی، می گوید که من برای بیرون راندن سطره استعماری انگلیس به قیام امام حسین (ع) و واقعه کربلا تاسی کردم، دیگر جایی برای محصور کردن قیام عاشورا برای يك مکتب خاص نمی ماند.»



می شود که همه اعضای خانواده برای حضور در مراسم اربعین در پیاده روی شرکت می کنند. مراسمی که حمیرا از آن به عنوان «آرامش روح» یاد می کند. او می گوید از زمانی که در پیاده روی اربعین شرکت کرده، بیشتر از قبل مشتاق نذری دادن و عزاداری است. حمیرا تعریف می کند که بعد از کربلایی شدنش، هر وقت که دلش می گیرد به مشهد می رود و آرام می گیرد. او می گوید که بعد از سفر کربلا، برادرانش هم با او در هزینه های نذری دادن همراهی اش می کنند و همه با هم به روستای سیاه قلب، روستای محل زندگی اش که همه اهالی آن اهل تسنن هستند و روستاهای اطراف نذری می دهند.

برای نذری پختن توان دارم

نذری دادن به ۴۰۰ نفر برای حمیرا آسان نیست. او تک و تنها باید در آشپزخانه ای که کمترین امکانات را دارد، کار کند. آشپزخانه او در گوشه ای از حیاط بزرگ خانه قرار دارد و آب لوله کشی ندارد. پله های بلند دار و آبگرمکن و سیستم گرمایشی در آنجا وجود ندارد. سیستم گازکشی، برای آشپزخانه انجام نشده و او مجبور است از کیسول های گاز استفاده کند؛ آب را داغ کند و بعد، خورش و برنجش را بار بگذارد. او خود بیمار است و از همسرش که معلم یازنشته است و در حال حاضر در بستر افتاده هم باید مراقبت کند. او می گوید: «در روزهای عادی، من حتی توان ندارم که يك قابلمه غذا برای خودم داغ کنم.» برای طبخ نذری اما او می تواند از پس مشکلات بر بیاید. آن قدر توان دارد که بتواند پخت و پز نذری را به تنهایی انجام دهد؛ اتفاقی که از نظر خودش هم تعجب برانگیز است. به جز نذری دادن در روزهای تاسوعا، عاشورا و اربعین، بلوچی به ما می گوید که در روزهای نوزدهم، بیست و سوم و بیست و هفتم رمضان هم نذری دارد. نذری ای که از نظرش، او تنها مسؤول طبخ آن است: «همه کارها را امام حسین (ع) انجام می دهد. من فقط اجرا می کنم.» روزی نذری ها از طرف کسانی که حتی فکرش را هم نمی کند، می رسد. او به شدت معتقد است به نذری ای که می پزد برکت می افتد و مثال می زند يك سال که دستش تنگ بوده، تنها برای صد نفر نذری درست کرده ولی در آخر کار، ۴۰۰ نفر از اهالی روستا و روستاهای اطراف، از برکت نذری استفاده کرده اند. برای حمیرا فرقی ندارد که در خانواده ای به دنیا آمده است که سنی مذهب اند، عشق و احترام به کرامات امام حسین (ع) در ترك سلول های او ریشه دوانده است.



هیاتی برای

اقلیت های مذهبی

حالا همه کشور، نقل هیات ثارا... ارامنه را می دانند. داستان این هیات به سال ۱۳۷۸ برمی گردد، زمانی که چند نفر از جوانان ارامنه، به دور از اطلاع خانواده هایشان و به دعوت دوستان مسلمانان، در مراسم مذهبی امام حسین (ع) شرکت می کردند و به عزاداری می پرداختند. همین می شود که ادموند طوفانیان از موسسان و بانیان تکیه ارامنه و دیگر ارامنه، به این فکر می افتند خودشان برای سالار شهیدان، هیات عزاداری ترتیب بدهند و خود صاحب مجلسی شوند و هیات ثارا... ارامنه با همین ایده متولد می شود.

هرچند که طوفانیان با اشاره به مشکلات اولیه ای که وجود داشته، می گوید: «ابتدا طرح ما بهای زیادی بین جامعه ارامنه و حتی مسلمانان به وجود آورد. پس از توجه آنان در خصوص اهداف راه اندازی هیات، تکیه ثارا... را در مرکز شهر برپا کردیم.»

هیاتی که در خیابان هفتم تیر، جایی در قلب پایتخت، برپا می شود و حالا بسیاری از مسلمانان هم از عزاداران و پای ثابت این هیات هستند. هرچند که به گفته طوفانیان به جز واکنش جامعه اقلیت های مذهبی، واکنش مسلمانان را هم داشت است: «خیلی از مسلمانان پس از شنیدن این خبر، خوشحال شدند و برای تاسیس این هیات، تمایل نشان دادند.» تکیه ای که حالا در روز عاشورا به اجتماعی برای عزاداری اقلیت های مذهبی مسیحی و زرتشتی و حتی مسلمانان تبدیل شده است و حالا همه زیر یک چادر جمع می شوند و با وجود تفاوت های فکری و مذهبی که وجود دارد، با حلقه اتصالی که احترام به امام حسین (ع) ایجاد کرده است، دور هم جمع می شوند و به عزاداری می پردازند. حالا تکیه کوچکی که ۲۰ سال پیش تاسیس شده است، ۷۰۰ نفر هنرمند دارد. نکته جالب درباره این هیات عزاداری این است که واعظ آن مسلمان است و از هدف انسانی حرکت امام (ع) در ظهر عاشورا می گوید. طوفانیان تاکید می کند: «همه نذری ها، جای، قند، برنج، گوشت و تمامی هزینه های هیات را مسیحیانی که علاقه مند به امام حسین (ع) هستند، تأمین می کنند.» درست است که هیات

ثارا... به نام هیاتی برای اقلیت های مذهبی ثبت شده است و همه این تکیه بزرگ را به همین نام می شناسند اما تمام مراسم شبیه عزاداری مسلمانان است. مانند سایر هیات ها، مداح، نوحه می خواند و جمعیت عزادار هم دور هم جمع می شوند و در زیر چادری که هیات در آن برپا می شود، مراسم سینه زنی را انجام می دهند.

مانند سایر هیات ها، این هیات هم دسته عزاداری دارد و پرچم هایی با رنگ سبز و سرخ در سر در آن افزایش شده است، فرقی هم ندارد هیات به نام مسلمانان است یا اقلیت مذهبی.